



انترناسیونال

۳۴۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۲۱ مه ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

راست، چپ، و اعتصاب عمومی در کردستان

هویت ملی- قومی الصاق کنند و این، هم با اهداف و سیاستهای ناسیونالیستهای کرد همخوانی داشت و هم به مذاق جناح موسوی و نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام

حزب کمونیست کارگری ایران و در توجه همه مردم در سراسر ایران و در خارج کشور قرار گرفته بود و راست نمیتوانست ساکت بنشیند و آرام بگیرد. این نیروها به کمک مدیای غربی تلاش کردند به این حرکت یک

تلاشهای نیروهای راست اعم از ناسیونالیست کرد و فارس و نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام برای مصادره و ثبت این حرکت بنام خود و تقلیل آن به یک اعتراض ملی و در چارچوب مساله کرد مواجه گشت. یک

حمید تقوایی

اعتصاب عمومی موفقیت آمیز در کردستان گرچه به ابتکار و فراخوان احزاب و نیروهای کمونیست صورت گرفت اما دقیقاً به همین دلیل با تشبثات و

شکست جمهوری اسلامی و تداوم تمام عیار بحران اتمی

کاظم نیکخواه

ظاهراً این بار بازی جمهوری اسلامی نگرفته است. درست یک روز پس از جشن مضحک جمهوری اسلامی بر سر توافق نامه با برزیل و ترکیه برای مبادله سوخت اتمی، سران دولتهای آمریکا و اروپا از تصویب قریب الوقوع یک قطعنامه تحریمی تازه علیه ایران خبر دادند. و امروز جمعه ۲۰ مه برنارد کوشنر وزیر خارجه فرانسه اعلام کرد که اکثریت اعضای شورای امنیت سازمان ملل با قطعنامه علیه ایران موافقت و تنها سه کشور با آن مخالفند. گفته میشود که سه دولت مخالف نیز از اعضای غیر دایم سازمان ملل هستند و شامل ترکیه و برزیل بعلاوه لبنان میشوند. بنابراین احتمال تصویب قطعنامه ای علیه ایران بسیار زیاد است. قطعنامه تازه که در صورت تصویب چهارمین قطعنامه علیه ایران خواهد بود بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه "محدویت های صادرات تسلیحاتی را افزایش داده و نیز فشارهای بیشتری بر نظام بانکی را در برمی گیرد، ضمن این که هرگونه استخراج از معادن اورانیوم برای ایران در خارج از مرزهای ممنوع می شود؛ این قطعنامه احتمالی، برنامه موشکی ایران را نیز هدف می گیرد" روزنامه آمریکایی واشینگتن پست نوشته است "قطعنامه جدید شامل تشدید محدودیت ها علیه بانک های ایرانی، بازرسی کشتی های مشکوک به مقصد ایران و نیز اضافه کردن فهرستی از فرماندهان و شرکت های وابسته به سپاه پاسداران به تحریم های گذشته است". اینکه یک هفته پس از کنفرانس سران ترکیه و برزیل با جمهوری اسلامی و هیاهوی رسانه ها و دست اندرکاران حکومت بر سر "توافق تاریخی تهران"، سران دولتها با هم

صفحه ۳



تظاهرات در جلال آباد افغانستان علیه اعدامها در ایران

در ۲۳ اردیبهشت ماه صورت گرفته است. شاید باید این مصاحبه را نسبت به انتظاری که از کومه له و حزب کمونیست ایران در برخورد با فرهنگ ناسیونالیستی و جنبش انقلابی مردم وجود دارد یک لغزش سیاسی نامید. سعی میکنم منظورم

خواننده باشد احساس دیگری در مقایسه با مواضع کومه له بخصوص موضوعی که در چند ماه اخیر اتخاذ کرده است؛ پیدا میکند. این مصاحبه تحت عنوان اعتصاب عمومی در کردستان؛ انگیزه ها و برداشتها؛ در ارتباط با اعتصاب سراسری و شور انگیز مردم کردستان

ملاحظات بر مصاحبه رفیق صلاح مازوجی با رادیو دویچه وله

بهمن خانی

مصاحبه رفیق صلاح مازوجی از اعضای رهبری کومه له (سازمان حزب کمونیست ایران) را با رادیو دویچه وله شنیده و یا

هر کس از زاویه منافع طبقه کارگر و بینش سوسیالیستی

بازتاب هفته

بازگشت یک تروریست: پشت پرده چه خبر است؟ بهروز مهرآبادی سرایت "تب کنگو" از جمهوری اسلامی به انسان، بهروز مهرآبادی - جنگلی بنام تمدن بشری احمد فاطمی - "به سود ما نیست امروز رژیم جمهوری اسلامی سرنگون شود!" محمد شکوهی صفحات ۵-۴

نامه کمیته همبستگی بین المللی کارگری به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان- به کمپین اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار (ای ال او) ببینید، صفحه ۱۱ پیام مادر فرزند کمانگر به مردم آزادیخواه، صفحه ۱۲

پیام حمید تقوایی به مردم آزادیخواه افغانستان به مناسبت اعتراض به اعدامها در ایران - صفحه ۱۲

در صفحات دیگر

- ما ساختار شکنیم، با حجاب برگیران و با انقلابمان، شهلا دانشفر صفحه ۳
- گردباد بحران، سیامک بهاری، صفحه ۹
- سربرآوردن اراده انقلابی در کردستان، هادی وقفی، صفحه ۱۰
- گروگان گیری ابزار سرکوب، یاشار سهندی، صفحه ۱۰
- در محکومیت تلاش های ارتجاعی برای تقلیل دادن اعتصاب شکوهمند مردم کردستان، صفحه ۱۱
- کهریزک هم دست از سر رژیم برمی دارد! بهروز مهر آبادی، ص ۱۲

راست، چپ، و... از صفحه ۱



حمید تقوایی

خوش می آمد. روایت ناسیونالیستی "اعتصاب کردها در اعتراض به اعدام کردها" از یکسو مساله را در چارچوب سنت "مبارزه ملت محروم کرد برای گرفتن حقوق ویژه اش از دولت مرکزی" قرار میداد و از سوی دیگر حساب آنرا از انقلاب و مبارزات توده ای سرنگونی طلبانه مردم در یکسال اخیر جدا میکرد. و این دومی نیز کاملاً در راستای سیاست و استراتژی احزاب قومی ناسیونالیست کرد قرار دارد. احزابی که همیشه بدنبال یارگیری از جناحهای "معتدل" حکومت از دوخرداد و خاتمی تا موسوی و کروبی هستند با تأکید بر ویژگی کردستانی این حرکت در واقع ویژگی سرنگونی طلبانه آنرا تحریف و انکار کردند. و این روایت و تبیین و تحلیل و موضع گیری در قبال اعتصاب در کردستان آن هم در شرایط سیاسی که یک انقلاب و جنبش عظیم توده ای برای سرنگونی حکومت در سراسر ایران در جریان است تماماً در مقابل گرایش و اعتراض و آرمان آزادیخواهانه و انقلابی مردم در کردستان و در سراسر ایران قرار میگردد. جنبش انقلابی مردم در کردستان در مقایسه با سایر بخشهای ایران ویژگیهایی دارد که به آن میپردازم، اما این ویژگیها هر چه باشد نباید این واقعیت را مخدوش و کم رنگ کند که در کردستان نیز مانند همه جای دنیا طبقات و منافع طبقاتی متضاد، افقها و گرایشها و مواضع سیاسی چپ و راست، احزاب سرنگونی طلب و یا سازشکار و مماشات جو با جمهوری اسلامی، نیروهای رفرمیست و انقلابی، و احزاب کمونیست و ناسیونالیست وجود دارد و اتفاقاً یک ویژگی کرستان تحزب و حزبی یافتن جامعه و پولاریزه بودن بیشتر جامعه- نسبت به سایر مناطق ایران- بین چپ و راست و مشخصاً نیروهای کمونیست و ناسیونالیست است.

در این تردیدی نیست که اعتصاب عمومی با فراخوان کمونیستها و با چنین موفقیتی لااقل در شرایط حاضر فقط در کردستان میتوانست اتفاق بیافتد. و این یک تفاوت و ویژگی مهم کردستان نسبت به سایر مناطق ایران را نشان میدهد. اما این ویژگی نیز دقیقاً بر مبنای قطنبندی میان راست و چپ کمونیسم و ناسیونالیسم قابل توضیح است و نه بر اساس تبیین های ناسیونالیستی تقابل میان کرد و فارس، قتل بودن به جنبش کرد و جدا

کارگران و توده مردم کردستان خود را نشان میدهد: از مقاومت مسلحانه در برابر یورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در تابستان ۵۸ و بهار ۵۹ تا تشکیل حزب کمونیست ایران در کردستان در سال ۶۲ در اوج اختناق و دستگیریها و اعدامهای بعد از ۳۰ خرداد ۶۰، و تا اول ماه مه های سرخ در سنج و سایر شهرهای کردستان، تا اعتصابها و مبارزات کارگران نساجیهای سنج و جشن آدم برقیها و پا گرفتن جنبش دفاع از حقوق کودک در شهرهای کردستان، همه و همه بیانگر قدرت و نفوذ چپ در یک مقیاس وسیع اجتماعی در کردستان است.

بموازات این سیر مبارزه البته نیروهای راست و ناسیونالیست نیز بیکار نبوده اند. تلاش برای سازش کردن و متحد شدن با جناحهای "دگر اندیش و رفرمیست" حکومت، دل بستن به سناریوهای رژیم چنچی و "بحران آفرینی در مرزها" به پیروی از برادران ناسیونالیست کردشان در آنسوی مرز، و بلند کردن پرچم فدرالیسم و بیعت با خاتمی و موسوی و غیره جزئی از کارنامه ناسیونالیسم کرد است.

ناسیونالیسم کرد و کل نیروهای راست و ویژگی کردستان را ستم ملی و تبعیض ملی میدانند و مدعی پاسخگویی به این مساله هستند. اما در واقع از این مساله محمل و پوششی ساخته اند برای تحریف کردن و تنزل دادن مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان به یک اعتراض مطالباتی برای رسیدن به نوعی خودمختاری و یا نوعی حکومت فدرال و در هر حال حقوق ویژه ای که گوئی حکومت مرکزی و یا بخشی از آن، جناح رفرمیست و دگر اندیش آن، میتواند این حقوق را برآورده کند - و یا حتی مثل کروی در کمپین انتخاباتی وعده های کلی ای در این زمینه بدهد. این راه حل ناسیونالیستی نه تنها هیچ مشکلی از مردم کردستان، حتی مساله تبعیض و ستم ملی، حل نمیکند، بلکه تماماً سیاستی است در چارچوب مناسبات درونی طبقه حاکمه و سهم خواهی بورژوازی کرد از حکومت مرکزی و کل بورژوازی ایران. این نه ربطی به مبارزات سرنگونی طلبانه مردم دارد و نه حتی به مبارزه واقعی برای رفع ستم ملی مربوط است. سناریوی نظیر فدرالیسم نه تنها مساله تبعیض و ستم و کینه و نفرت قومی و ملی را حل نمیکند بلکه آنرا دائمی و نهادینه

میکند. راه حل واقعی ستم ملی و تبعیضات ملی برسمیت شناختن حق مردم کردستان بعنوان شهروندان کاملاً برابر و متسای حقوق با سایر مناطق ایران است. از حق تحصیل و فعالیت ادبی و مطبوعاتی و رسانه ای به زبان مادری تا سایر عرصه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مردم کردستان باید از حقوق برابر و کاملاً یکسانی با همه مردم ایران برخوردار باشند. و این در عین حال خود جزئی از مبارزه برای تحقق حقوق انسانی همه مردم ایران نیز هست. راه حلی که حزب کمونیست کارگری در رابطه با مساله کرد مطرح میکند تأمین و تضمین حقوق انسانی آزادی و برابری برای همه مردم ایران است. و در عین حال حزب کمونیست کارگری این را تضمین میکند که در صورتی که به هر دلیلی مردم کردستان خواهان جدائی از ایران باشند و در یک رفراوند عمومی آزاد به جدائی رای بدهند جدائی را برسمیت بشناسد. از لحاظ سیاسی اساس و جوهر ناسیونالیسم فارس و عظمت طلبی ایرانی عبارتست از دفاع به هر قیمت از تمامیت ارزی و سرکوب مردم منسوب به ملیتهای دیگر در صورتیکه به باقیماندن در ایران تن ندهند. برسمیت شناسی و دفاع از حقوق یکسان و برابر و داوطلبانه همه شهروندان جامعه ایران از جانب ما کمونیستها در واقع تنها پاسخ برحق و اصولی و انسانی به مساله ملی در تقابل با ناسیونالیسم کرد و ناسیونالیسم فارس هر دو است.

این راه حل کمونیستها امری نظری و تئوریک و ایدئولوژیک نیست بلکه در واقعیات ملموس سیاسی و زندگی و مبارزه هر روزه مردم ریشه دارد و خواست و تمایل قلبی آنان را نمایندگی میکند. مضمون نامه های عمیقاً انسانی فرزند کمانگر از زندان، پیام و گفته های شورانگیز مادر قهرمان او خطاب به مردم ایران و دنیا، همانند پیام های کارگران و مردم کردستان در اول ماه مه های سرخ و در جشن آدم برقیها و در هشت مارسها و در مبارزات کارگران کوره پزخانه ها و نساجیها، در کنار مبارزات متحد و همبسته کارگران و زنان و جوانان در کردستان و بقیه مناطق ایران در مقابل حکومت جنایتکاری که خون همه مردم ایران را در شیشه کرده است، و بالاخره خروش اعتراضی یکپارچه مردم ایران در داخل و در خارج کشور در عکس العمل به اعدامها همه حاکی از فضای چپ حاکم بر جامعه و اقبال عمومی

مردم از راه لهای عمیقاً آزادیخواهانه و برابری طلبانه و انسانی کمونیستها است.

این موقعیت و فضای چپ را در گام بگام سیر حرکت جنبش انقلابی یکسال اخیر نیز میتوان نشان داد. در این جنبش توده مردم ایران نه تنها به موسوی و کروبی و رهبری ادعائی آنها و موعظه بازگشت به قانون اساسی و احتراز از ساختار شکنی و غیره تن ندادند، بلکه با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر اصل ولایت فقیه مبارزه جانانه ای را علیه حکومت اسلامی به پیش میبردند. و اعدامهای وحشیانه جمهوری اسلامی بر متن چنین شرایطی قابل بررسی و توضیح است. جمهوری اسلامی با حسابگریهای احمقانه خود تصور میکرد با اعدام ۵ زندانی سیاسی و بخصوص اعدام فرزند کمانگر که به یک زندانی سیاسی سر شناس و شخصیت محبوب در ایران و حتی در یک بعد جهانی تبدیل شده بود میتواند مردم را مرعوب کند و جنبش انقلابی جاری را عقب بنشاند. در حسابگریهای ابلهانه جانین حاکم انتخاب فرزند و سه فعال سیاسی دیگر از کردستان قرار بود زمینه مناسبی برای پرونده سازی مسلح بودن و تروریست بودن و ارتباط آنها با سازمانهای نظیر پژاک را فراهم آورد. اما مردم ایران با اعتراض یکپارچه و متحدشان و در اوج این حرکت با اعتصاب عمومی در کردستان کل این تشبثات ابلهانه را نقش بر آب کردند. جمهوری اسلامی در مقابل با مبارزه سراسری مردم ایران با کارت کرد و فارس بازی کرد و جواب دندان شکنی دریافت کرد.

باید امیدوار بود و تلاش کرد تا اعتصاب عمومی شکوهمند مردم کردستان به نمونه و الگویی برای مردم در سراسر ایران و بخصوص در جنبش کارگری و دانشجویی تبدیل شود. این گفتمانی است که فی الحال در میان فعالین این جنبشها آغاز شده و حزب ما به سهم خود همه توانش را بکار میبرد تا اعتصاب به یک شیوه مبارزاتی موثر در انقلاب جاری تبدیل شود. مقابل با تعابیر و تحلیلها و روایات ناسیونالیستی، اعم از فارس و کرد، از اعتصاب عمومی مردم کردستان که با قومی و ملی و کردی جلوه دادن این حرکت در واقع قابلیت سراسری شدن آنرا نفی و انکار میکنند، جزئی از این مبارزه است.

ما ساختار شکنیم، با حجاب برگیران و با انقلابمان

شهلا دانشفر



هر چه اعتراضات مردم حاد تر میشود، بحث بر سر حجاب داغتر میشود. جایگاه حجاب در حکومت جمهوری اسلامی را میتون در همین طرح حجاب و عفافشان که اخیرا به راه انداخته اند و اظهارات رده های مختلف از آیات عظام و و حجت الاسلام ها و مقامات حکومتی شان دید. در طول این یکسال خیزش انقلابی مردم، جمهوری اسلامی، همانطور که نیروی انتظامی اش را به خیابان کشیده است، همانطور که کهریزک و بازداشتگاههای مختلفی را بر راه انداخته است و همانطور که احکام اعدام و سرکوبش را به اجرا گذاشته است، در مقابل "بدحجابی و بی حجابی" شمشیر کشیده است و طرح های امنیت اجتماعی و عفاف و حجاب و غیره را به راه انداخته است. طرح هایی که سرپرستی آن نیز با نیروی انتظامی و پلیس و رادان و احمدی مقدم و امثال آنها بوده است. همه اینها نشانگر جایگاه حجاب در ساختار این حکومت است.

در همین هفته جعفر شجونی عضو روحانیت مبارز در سخنانی به مناسبت سالروز مرگ فاطمه زهرا ایشان به خبرنگار اجتماعی "فردا" میگوید: "برخی این روزها مسئله حجاب را ابزار سیاست خود قرار داده اند و به گونه ای می خواهند به جمهوری اسلامی دهن کجی کنند". همچنین همین هفته همایشی تحت عنوان "حجاب و عفاف و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی" در خوزستان برگزار شد. همایشی که در آن طلاب و استادان حوزه و دانشگاه، رئیس دانشگاه چمران اهواز و نماینده خامنیه ای در این استان جمع شدند. همه این حرفها بر دو نکته درست اشاره دارد، یکی اینکه حجاب بگیران کل نظام و قوانین ارتجاعی اسلامی این حکومت را نشانه رفته است و یک جنبش قویست در دل انقلابی که با قدرت به جلو میرود. دوم اینکه می بینیم سران ریز و درشت حکومت، و طلاب و مراجع دینی شان در همایش خوزستان جمع میشوند و از طرح حجاب و عفاف و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامیشان سخن میگویند. راه انداختن طرح حجاب و عفاف، برپایی همایش مقامات دینی و

شکست جمهوری اسلامی و ...

از صفحه ۱



نظری بالا و کم سابقه ای علیه جمهوری اسلامی به توافق میرسند، به خودی خود یک شکست سیاسی برای جمهوری اسلامی است. و جالب اینست که بعد از اینکه خامنه ای یک ماه پیش اعلام کرد که "مبادله سوخت اتمی" از خط قرمزهای جمهوری اسلامی است، حکومت بر سر مبادله سوخت اتمی با ترکیه و برزیل شد و بر سر آن هیاهو راه انداخت تا مانع تصویب قطعنامه ای علیه خود در شورای امنیت شود، اما تن دادن به این ذلت و "عبور از خط قرمز" هم کمکی نکرد و اکنون بقول یکی از سرانش هم چوب را خورده است و هم چماق را. در واقع دولتها با رد "چشم بسته" توافق تهران به حکومت این پیام را دادند که سر سوزنی برای تعهدات و توافقاتشان اعتباری قابل نیستند. جنبه دیگری که برای جمهوری اسلامی بسیار گران تمام خواهد شد اینست که این بار چین و روسیه نیز با غرب بر سر تحریم ایران به توافق رسیده اند و این حکومت را در انزوای کامل قرار داده اند. نماینده روسیه در سازمان ملل گفت که "این قطعنامه زبانی است که ما میتوانیم با آن زندگی کنیم" این بدترین و تحقیر آمیزترین موقعیت دیپلماتیک بین المللی است که جمهوری اسلامی در چند سال اخیر در آن گرفتار شده است. در واقع دولت های ترکیه و برزیل نیز که میخواستند با شرکت در چنین بازی ای امر خود را پیش ببرند و موقعیت جهانی خویش را بهبود بخشند عملا تا همینجا خود را مغبون می بینند. البته دلایل متعددی باعث شد که جمهوری اسلامی به چنین بازیهای مسخره ای در سطح بین المللی دست بزند. یکی از آنها بهم زدن توافق دولتها علیه این حکومت بود و جلوگیری از تصویب قطعنامه تازه بود. اما علاوه بر این در هفته های اخیر مساله احتمال حمله نظامی اسرائیل به تاسیسات اتمی ایران بسیار جدی شد و برخی از مفسرین این را نیز یکی از دلایل وحشت جمهوری اسلامی میدانند. در سطح داخلی نیز حکومت میخواست دستش بازتر باشد و برای تهاجم و تعرض به مردم از نظر بین المللی در وضعیت بهتری قرار گیرد. اما همه

اینها برای حکومت جز شکست و انزوای بیشتر بار نیارود.

نقطه سر خط

گوی همه چیز از نو آغاز شده است. آنچه باید در رابطه با بحران اتمی جمهوری اسلامی بازهم تاکید کرد اینست که موضوع بحران اتمی جمهوری اسلامی شکل و ظرف مشخصی برای یک بحران پایه ای تر است. و آن بحران حاکمیت در ایران است. و این بحران تا زمان سرپا بودن جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت. حکومت اسلامی با روی آوری به سیاست اتمی میخواهد خود را به دولت های اصلی سرمایه داری جهانی تحمیل کند و در سطح منطقه بعنوان یک بازی کن اصلی برسمیت شناخته شود. و غرب بیش از آنکه مساله اش سلاح اتمی باشد، اینست که چگونه این حکومت را رام کند و این منطقه را به زیر سیاست های سرمایه جهانی بکشانند. به یک مفهوم هردو طرف یک مساله را دنبال میکنند. و آن جلب ایران به حوزه سیاسی و اقتصادی سرمایه بین المللی است. اما چنین تحولی بدون تغییراتی اساسی در حکومت اسلامی ممکن نیست. تنیده شدن ساختار و بقای جمهوری اسلامی به نیروهای متعدد تروریسم اسلامی در سطح جهان را میتوان مهمترین مانع نامید. جریان های اسلامی و تروریست خود محصول سیاست های غرب هستند و زمانی از حمایت دولتها و نهادهای دولتی در سطح جهان برخوردار بوده اند. اما با حاد شدن کشاکش و رقابت اسلام سیاسی با جریان های آمریکائی و اروپایی این به معضلی در معادلات بین المللی تبدیل شده است. اما جریان های تروریسم اسلامی طی سالها حمایت و ارتباط تنگاتنگ حکومت اسلامی با آنها، اکنون میتوان گفت که اینها به نیروهایی در درون حکومت تبدیل شده اند، جناحهایی از حکومت از قبل آنها به نان و نوایی رسیده اند و جمهوری اسلامی نمیتواند بدون تنشها و شکافها و جدالهای جدی

درونی، خود را از این جریانها و از سیاست های تکنونیش پاک کند. به بیان دیگر کنار کشیدن جمهوری اسلامی از تروریسم اسلامی به معنای اینست که تروریست ها خود را خلع سلاح کنند. اما فضای گسترده سرنگونی طلبی در ایران به هیچ وجه به این حکومت امکان تغییر و جابجایی و کشاکش های بیشتر را نمیدهد. مردم مترصد به زیر کشیدن این حکومت و اکنون دست با انقلاب خویش مستقیما دست به کار به زیر کشیدن این حکومت شده اند. این حکومت نه اصلاح پذیر است نه تغییر پذیر. این حکومت ناچار است با همین تناقضاتش بماند و هر چه بیشتر به فلج کشیده شود و در عین حال مدام با نزاعهای درونی عمیق تر دست و پنجه نرم کند. راه دیگری برایش قابل تصور نیست. این واقعیت کل سیاست بین المللی در قبال این حکومت را نیز زمین گیر کرده است. و بحران اتمی و کشاکش های بین المللی به همین دلیل تا پایان عمر منحوس این حکومت ادامه خواهد داشت. این بحران برای مردم هزینه های سنگینی در بر دارد. تا همینجا تحریمها و فشارهای اقتصادی، بار اصلیش روی دوش کارگران و مردم محروم انداخته شده است. و تداوم این بحران مدام خطر کشاکش ها و حملات نظامی و فشار تحریمها را بالای سر مردم نگه میدارد. بر خلاف نظر ساده لوحان سیاسی ای که فکر میکردند با کنار رفتن بوش و نشو کنسرواتسیست ها در آمریکا خطر کشاکش نظامی تمام شده است، ما همان زمان گفتیم و اکنون باید برای همه روشن باشد که این بحران ظرفیت تبدیل شدن به هر فاجعه ای را دارد و تنها راه خلاص شدن مردم ایران و جهان از ترکش ها و عواقب و نتایج این بحران، به زیر کشیدن جمهوری اسلامی با انقلاب مردم برپایی جامعه ای انسانی است. جامعه ای که به دوره کشاکشها و تروریسم و جنگ ها پایان میدهد و دست دوستی و صلح به سوی همه مردم جهان دراز میکند و با جلب حمایت و سپیاتی و دوستی مردم جهان امکان ماجراجویی های نظامی علیه این جامعه را به صفر نزدیک میکند.*

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.

بازتاب هفته

بازگشت یک تروریست: پشت پرده چه خبر است؟



بهروز مهر آبادی

وحشیانه‌ای با ضربات چاقو به قتل رساندند. در تن از قاتلین موفق به فرار شده و به ایران می‌گریزند ولی علی وکیلی راد بعد از چند روز توسط پلیس سوئیس در نزدیکی شهر ژنو دستگیر شده و به مقامات فرانسوی تحویل می‌شود. شاپور بختیار که قبلاً نیز مورد سوء قصد تروریست‌های جمهوری اسلامی قرار گرفته بود، از طرف پلیس فرانسه محافظت می‌شد. کشته شدن او و فرار قاتلین از محل جنایت و خروج آنها از فرانسه هنوز در ابهام است و شواهد متعدد دلیل بر احمال و یا چشم بستن پلیس فرانسه بر فرار تروریست‌ها و خروج آنها از فرانسه است.

در جریان محاکمه وکیلی راد دادگاه رسماً اعلام کرد که قتل شاپور بختیار و منشی او به دستور مقامات جمهوری اسلامی بوده است. احمد وکیلی راد به حبس ابد محکوم شد و چند نفر دیگر از مامورین جمهوری اسلامی (به نامهای غلامحسین شوریده شیرازی نژاد، حسین شیخ عطار، ناصر قاسمی نژاد، فریدون بویر احمدی و محمد آزادی) نیز بجرم همکاری مستقیم در این جنایت غیباً توسط دادگاه به حبس ابد محکوم شدند.

این اولین بار نیست که برای آزادی یک تروریست حکومت اسلامی ایران معامله می‌شود. در ۲۷ تیرماه ۱۳۵۹ یک تیم تروریستی به رهبری یک لبنانی بنام انیس نقاش به محل اقامت شاپور بختیار حمله کرد. در این حمله بختیار آسیبی ندید ولی یک پلیس محافظ او و یک همسایه کشته شدند و پلیس دیگری بشدت مجروح شد. انیس نقاش به حبس ابد محوم گردید. او در مرداد ۱۳۶۹ به دستور فرانسوا میتران رئیس جمهور وقت فرانسه مورد عفو قرار گرفت و به ایران فرستاده شد. عفو او در ازای آزادی اتباع فرانسوی بود که از سال ۱۳۶۵ در لبنان توسط جهاد اسلامی به گروگان گرفته شده بودند. سازمان جهاد اسلامی در لبنان با کمک‌های مالی جمهوری اسلامی و همکاری مستقیم سپاه پاسداران تاسیس شده است. انیس نقاش در مصاحبه‌های مطبوعاتی از جمله با خبرگزاری فارس اعلام کرد که اقدام به ترور دکتر شاپور بختیار به خواست دولت ایران و با همکاری سپاه پاسداران بوده است.

به تروریسم دولتی جمهوری اسلامی را باید در رابطه مستقیم با قراردادهای بزرگ اقتصادی و زد و بندهای بی حساب و کتاب مالی آنها دید. بهروز جمهوری اسلامی و تروریستهایش میتوانند از دست دولتهای غربی خلاص شوند اما کل حکومتشان در محاصره مردمی است که میخواهند ریشه ترور و تروریسم اسلامی را با به زیر کشیدن این حکومت بشکافند.*

سرایت "تب کنگو" از جمهوری اسلامی به انسان

بهروز مهر آبادی

در روزهای اخیر سه نفر از کارگران کشتارگاه "پاکدام کویر زاهدان" به نامهای جواد نارویی، عباس دهمرده و محمود صوفی براث بیماری تب کنگو جان خود را از دست دادند. به جز این سه کارگر جوان حداقل دو نفر دیگر در زاهدان براث این بیماری مرده اند و دهها نفر در بیمارستان بستری هستند. اینها تلفات تب کنگو در هفته‌ها و روزهای اخیر است. و آن مواردی است که خبر آن منتشر شده است. سال گذشته در یک مورد ۳۱ نفر به دلیل تب کنگو جان خود را از دست دادند. شمار دقیق قربانیان تب کنگو به دلیل سیاست کتمان و پرده پوشی که جمهوری اسلامی در همه زمینه‌ها حاکم کرده معلوم نیست اما گزارشهایی از صدها مورد مبتلایان به این بیماری بویژه در استان سیستان و بلوچستان منتشر شده است. تب کنگو (CCHF) یک بیماری حاد عفونی است که در کشورهای عقب افتاده و با شرایط بهداشتی و پزشکی نازل شیوع دارد. خبر شیوع این بیماری در نقاط مختلف ایران بارها منتشر شده است. استان فارس، لرستان، خراسان مناطق دیگری هستند که در دو سه سال اخیر بعنوان مراکز شیوع این بیماری در رسانه‌ها مطرح شده اند. بیماری تب کنگو از طریق گزش کنه و یا تماس با خون یا ترشحات یا لاشه دام و انسان آلوده به ویروس و حتی تنفس در فضای آلوده منتقل می‌شود. میزان مرگ و میر در بیماران مبتلا در حدود ۴۰ درصد گزارش شده است. این بیماری شدیداً مسری است و بیمار باید کاملاً ایزوله شود و افرادی که با بیمار تماس دارند باید از ماسک، دستکش و روپوش استفاده کنند و کلیه وسایلی که با ترشحات بیمار در تماس بوده اند باید سوزانده شوند. برای پیشگیری از این بیماری واکسن وجود

ندارد. کسانی که از این بیماری جان بدر برند عوارضی از قبیل مننژیت، رعشه و غش، ریزش مو، تورم مفاصل و اعصاب، اختلال در بینایی و شنوایی و ضایعات کلیوی و قلبی و مغزی آنها را تهدید می‌کند. کارگران کشتارگاه‌ها و صنایع غذایی گوشتی اکثریت گروه در معرض خطر این بیماری هستند. ضوابط ایمنی در کشتارگاههای ایران رسماً بسیار پایتیز از استانداردهای جهانی است اما برای کسب سود بیشتر حتی همین حداقل ضوابط هم رعایت نمی‌شود. کارکنان کشتارگاهها باید بطور مداوم تحت نظارت و انجام معاینات پزشکی قرار داشته باشند چیزی که در جمهوری اسلامی وجود ندارد. بنا به گزارشات منتشر شده مسئولین کشتارگاه زاهدان پلاک‌های معاینه پزشکی را از لاشه‌های دام‌ها کنده و بر روی دام‌های فاقد معاینه پزشکی نصب می‌کنند. دامهای وارد شده از مرز بدون ماندن در قرنطینه و انجام معاینات پزشکی مستقیماً به کشتارگاه برده میشوند. کارگران از حداقل وسایل ایمنی نظیر دستکش، روپوش، ماسک، عینک محرومند و این کشتارگاه‌ها مانند سایر کشتارگاهها در ایران فاقد تجهیزات نظیر سیستم تهویه مناسب، دوش و سایر وسایل ایمنی هستند. شستشوی لاشه‌های کشتار شده در محفظه‌های ایزوله و بهداشتی انجام نمی‌شود بلکه در فضای باز به آنها آب پاشیده می‌شود و کارگران بطور مستقیم در تماس با ترشحات و آلودگی‌های دامها قرار دارند و به همین دلیل خطر ابتلا به بیماری‌هایی قبیل تب کنگو در بین کارگران بسیار زیاد است. با حداقل شرایط ایمنی و بهداشتی میتوان مانع شیوع این بیماری شد اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این حداقل‌ها معنایی ندارد. کارگر بی دفاع و بی حقوق است و زیر ابتدایی‌ترین استانداردها باید کار کند و دم بر نیارود و تازه حقوقش را هم با تاخیر و تعویق یک ساله و دو سه ساله بپردازند. اینجاست که میتوان گفت این بیماری در واقع از جمهوری اسلامی دارد به انسانها سرایت میکند. مسئول مستقیم مرگ سه جوان کارگر در زاهدان حکومت اسلامی و نظم کثیف سرمایه‌داری ایران است. این هم جنایت دیگری است که در پرونده دست اندرکاران جمهوری اسلامی باید ثبت شود. با وجود جمهوری اسلامی این فجایع همچنان ادامه می‌یابد.*

بازتاب هفته

جنگلی بنام تمدن بشری



احمد فاطمی

گرفته شده، اعدام میکنند. تفاوتی اگر هست این است که جمهوری اسلامی آنقدر بی آبروست که ابائی از اعلان جنایاتش ندارد، و بر عکس در شرایط امروز ایران و افشا و بی آبرو شدن قصابان اسلامی در ۱۰ ماه جنبش انقلابی حکومت حتی میکوشد از شهرت و اعتبار نامه جنایتکارانه اش بهره برداری سیاسی و تبلیغی کند و از این طریق مردم را مرعوب کند! گفتم که دنیای وارونه ایست؟ آنچه که دل هر انسان با وجدانی را بدر میآورد اینست که: همزمانی علنی شدن جنایت دولت ترکیه، با اعدام پناهندگان افغانی توسط جنایتکاران اسلامی تنها به این دلیل تصادفی است که این دو مورد بدون هیچ اقدام آگاهانه ای همزمان علنی شده و به رسانه ها راه پیدا کردند و این نکته ایست مربوط که باید به آن بازگردیم. این وحشیگری نورم است، جهانیست و هیچ استثنایی وجود ندارد؛ تو گویی که اینان همگی فارغ التحصیلان مدرسه ای واحدند. و من اینجا دیگر از ایران اسلامی و ترکیه شوینیست و طالبان متحجر و سودان عقب مانده حرف نمی‌زنم. نورم است به این معنی که دولت "مودب" و "متواضع" ژاپن هم در حل معضل پناهنگی چندان از دولت ترکیه و رژیم اسلامی عقب نیست. پناه جویان را در ژاپن در اردوگاه اسرای جنگی و زندان های ویژه محبوس میکنند و تحت ضد انسانی ترین فشارها خردشان میکنند. این انسانهای سالم و نورمال را یا در اثر بیماری میکشند و یا به خودکشی وادارشان میکنند، و یا خورد و مچاله و مسخ به جهنمی که از آن گریخته بودند عودتشان میدهند. نورم است به این معنی که دولت تمدن و "انسانی" و پیشرفته سوئد که به یمن انسانیت حتی فروش توله سگ جوان تر از ۸ هفته را به دلیل نیاز غریزی اش به مادر جرم و مستوجب عقاب میدانند، پناهنده شیده را از نوزادش جدا میکنند تا طبق قانون دیپورت کنند. نورم است به این معنی که دولت آمریکا که "نماینده جهان آزاد" است سیم خار دار و دیوار میکشد و ارتشی تا به

دندان مسلح از شکارچیان انسان استخدام میکند تا "آزادی" پناه جوی گرسنه مکزیک برای بدست آوردن يك لقمه نان را بضررب گلوله سلب کند. این نورم دنیای وارونه ماست و وارونه است چرا که مسببان اصلی فقر و جنگ و استثمار و بی حقوقی و نا امیدی، مسببان اصلی مشکل صدها میلیون پناهنده، خالقان واژه ضد انسانی "انسان قانونی" و "انسان غیر قانونی و بی کاغذ"، همان مالکان اردوگاهها و زندانها و میدانهای مین و تک تیر اندازان و ادارات ضد پناهندگی هم هستند. جنایت وحشیانه دولت ترکیه باید پاسخ بگیرد، بخصوص به این دلیل که جنایت بر علیه میلیونها پناهنده در جهان وارونه ای که متمدنش میخوانند نورم است. این جنایت باید پاسخ بگیرد چرا که این پاسخ کیفر خواست صدها میلیون انسانی است که از آرزو تا حکاری، از استکھلم تا کیپ تاون هر روز میمیرند و زنده میشوند و بجز دنیایی از نوع دیگر، دنیایی انسانی امید دیگری ندارند. جنایت وحشیانه دولت ترکیه باید پاسخ بگیرد، و این پاسخ را باید از ما بگیرد که نه فقط منادیان دنیایی بهتر، دنیایی انسانی، دنیایی در آینده، بلکه نمایندگان همان دنیا در جهان وارونه کنونی جنگل بی قانونی که تمدنش مینامند هستیم. جنایت وحشیانه دولت ترکیه را پاسخ میدهم!*

"به سود ما نیست امروز رژیم جمهوری اسلامی سرنگون شود!"



محمد شکوھی

اکبر گنجی روز ۲۳ اردیبهشت در جریان دریافت جایزه انستیتوی "میلتون فریدمن" مصاحبه می کرد به صراحت اعلام کرد که به سودش نیست که رژیم جمهوری اسلامی سرنگون بشود! این را میدانستیم که امثال گنجی مساله و نگرانی شان سرنگونی جمهوری اسلامی است اما

اینکه او ناچار شده این را امروز در وسط ژستهای ضد حکومتی برزبان آورد داستان دیگری است. درست در روز و لحظه ای این سخنان از جانب وی ایراد می شود که مردم کردستان در اعتراض به اعدام هایی که توسط رژیم کی وی نمی خواهد سرنگون شود، دست به اعتصاب عمومی وسیع و گسترده زده اند، زمانی که مردم ایران خودشان را برای گرامی داشت يك سال مبارزات پرشور و انقلابی آماده می کنند، زمانی که جهانیان و عالم و آدم دیده اند و لمس کرده اند که حکومت جمهوری اسلامی چه جنایاتی را مرتکب شده و می شود، زمانی که موج محکومیت جهانی جانوران اسلامی حاکم بر ایران ادامه داشته و رژیم بشدت در داخل در منگه اعتراض و مبارزه مردم بوده و در خارج تحت فشار...، جناب گنجی در چنین موقعیتی که سرکوبگران مردم به آن گرفته آمده اند، با وقاحت و بی شرمی و با این توجیه که "باید يك نیروی جایگزین دمکرات جافتاده تثبیت شده داشته باشیم. نباید داستان انقلاب ۵۷ دوباره تکرار شود و يك دیکتاتوری بد تر از این دیکتاتوری بیاید سر کار" خواهان این می شود که رژیم فعلا نباید سرنگون بشود. بله ایشان خطر سرنگونی را بو کشیده اند و با يك استدلال کهنه که نکند اوضاع بدتر شود میخواهد زیر بال حکومتش را بگیرد. این اولین باری نیست که در لحظات بحرانی که خطر سرنگونی جمهوری اسلامی را تهدید می کند، مدافعان و سربازان باز نشسته و فعلا مورد غضب حکومت، در داخل و خارج معرکه گیری راه انداخته و در تلاش بوده و هستند نظامشان را از خطر سرنگونی انقلابی مردم نجات بدهند. درست ۱۰ سال پیش، در دوره برو بیای "اصلاحات حکومتی" و "دوم خرداد"، جناب گنجی در معیت چهره های ملی و مذهبی و اصلاح طلبان حکومتی، در کنفرانس معروف برلین پای منبر رفتند و اندر بار "تسامح و تساهل" و "گذر تدریجی حکومت به حرکت در آیند."

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید

و در سطح وسیع توزیع کنید

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!



گروه معلمان صلح امروز از یونسکو درخواست کرد که روز ۹ ماه مه را بجای ۵ اکتبر، روز جهانی معلم اعلام کند.

یونسکو امروز، با دادن يك بیانیه خواهان به رسمیت شناخته شدن ۹ مه بعنوان روز جهانی معلم شد و گفت از معلمان سراسر جهان میخواهد هر ساله در این روز با سفری نمادین به مناطق محروم دنیا و آموزش کودکان فقیر توجه جهان را به آموزش مناسب به کودکان خانواده های تهیدست جلب کنند. این خواست فرزند نیز بود...

گرامی باد یاد و خاطره فرزند کمانگر و همه جانباختگان راه آزادی کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۸ ماه مه ۲۰۱۰

پیشه اسلامی است.

گرامیداشت یاد و خاطره فرزند کمانگر از سوی میلیونها نفر مردم جهان، در عین حال گرامیداشت یاد اعدام شدگان سالهای شصت و شصت و هفت، گرامیداشت یاد نداها و سهراب ها و ترانه ها و همچنین گرامیداشت یاد فرزادهای، صدیق کمانگرها و غلام کشاورزها است...

یکشنبه خونین، ۹ ماه مه فرزند کمانگر، علی حیدریان، شیرین علم هولی، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان اعدام شدند. با این جنایت، سران حکومت اسلامی خواستند، آرمانها و ایده آلهای این پنج نفر را اعدام کنند. این جمع پنج نفره در آخرین لحظات زندگیشان با سرودی بربل، مرگ را به سخره گرفته و جلادان را تحقیر کردند.

فرزند یک انسان بزرگ، یک قهرمان دفاع از عدالت و انسانیت بود. او را بسیاری صمد بهرنگی زمان ما نامیدند.

او در زندان نیز مظهر انسانگرایی و دفاع از حقوق همه

کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان به رسمیت شناخته شدن ۹ ماه مه بعنوان روز جهانی معلم است! فرزند جاودانه شد!

اعدام شدند.

خواست به رسمیت شناخته شدن ۹ ماه مه روز اعدام فرزند کمانگر بعنوان روز جهانی معلم، فراگیرتر میشود و ما امیدواریم به زودی از سوی یونسکو این روز، رسماً روز جهانی معلم نامگذاری شود.

نهادهای متعددی و از جمله انجمن قلم پن که فرزند عضو آنها بود، در صدد اعلام روز ۹ مه بعنوان روز جهانی معلم هستند.

با این درخواست نهادهای مدافع حقوق انسان میخواهند، به احترام یک معلم رزمنده و مبارز، معلم طرفدار حقوق همه کودکان، معلمی که قلبش را به کودکان فقیر دنیا تقدیم کرد، به پا خاسته و ادای احترام کنند. این اقدام در عین حال ادای احترام و سمپاتی میلیونها نفر نسبت به مبارزات مردم ایران علیه حکومت قرون وسطایی و جنایت

کمیته بین المللی علیه اعدام از نهادها و سازمانها و افراد دعوت میکند که از این خواست فعالانه دفاع کنند. گروه معلمان صلح امروز از یونسکو درخواست کرد که روز ۹ ماه مه را بجای ۵ اکتبر، روز جهانی معلم اعلام کند.

بگذار دنیا به احترام، یک جوان رزمنده و طرفدار عدالت و آزادی، یک معلم و انسان دوست بزرگ، یک قهرمان مدافع حقوق انسانی، به یاد فرزند کمانگر هر ساله به پا خیزد و خاطره او را گرامی بدارد. بگذار با تثبیت این روز بعنوان روز معلم، نگاهها هر ساله بسوی هزاران رزمنده و مبارز جلب شود که در دوره سیاه حاکمیت جنایتکاران اسلامی در ایران، در زندانهای سراسر ایران، در خیابانها و خانه های خود به دست جلادان حکومت اسلامی ترور و یا

نامه اعتراضی اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ در رابطه با اعدام جنایتکارانه فرزند کمانگر و دیگر زندانیان سیاسی

کارگری بود که در زمستان ۲۰۰۶ دستگیر و مورد شکنجه های غیر انسانی قرار گرفت. رژیم ایران مسئول مستقیم تمام این رفتارهای غیر انسانی است که کمانگر در زندان متحمل شد. در این چهار سال که فرزند در زندان بود، او را مورد شکنجه های روحی و بدنی قرار دادند و حتی خانواده او را هم بارها مورد تهدید قرار داده و در آخر در یک دادگاه نمایشی او را محکوم به اعدام کردند. اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ به طور جدی دنبال این جریان بوده و در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ با کمپین جمع آوری امضا و ارسال کارت پستال های اعتراضی بوسیله معلمین نروژ از رژیم ایران خواستیم که به وضعیت غیر انسانی فرزند رسیدگی و حکم اعدام او را لغو کنند.

بعد ها مسئله فرزند و دیگر زندانیان سیاسی با ارسال نامه های اعتراضی به دولت ایران پیگیری شد. در این رابطه اتحادیه های کارگری و مدافعین حقوق بشر در سطح جهان انزجار خود را نسبت به

تحت نظر دارد و این اعمال بر روابط این رژیم با جهان تأثیر بسیار منفی داشته و خواهد داشت.

ترجمه متن نامه:

از: اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ به وزارت خارجه نروژ فرزند کمانگر اعدام شد

معلم ایرانی فرزند کمانگر در روز ۹ مه در حالی اعدام شد که اتحادیه های سراسر جهان به دستگیری و حکم اعدام او اعتراض کرده بودند. به دنبال خبری که از مدافعین حقوق بشر در ایران رسیده است، رژیم ایران يك سلسله اعدامها را به راه انداخته است. بعنوان رهبر اتحادیه فرهنگیان از دولت نروژ درخواست دارم که موضوع اعدام فرزند معلم و برخوردهای غیر انسانی که متوجه معلمان و فعالین سندیکایی به عنوان مثال رسول پداغی، هاشم خواستار و بهمن گوهرزاد، که در حال حاضر در زندان هستند مورد توجه و به دولت ایران گوشزد کنند.

فرزند کمانگر يك فعال سیاسی و

به دنبال اعدام جنایتکارانه معلم محبوب و شناخته شده در سطح جهان، فرزند کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر، علی حیدریان، شیرین علم هولی، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان توسط رژیم جنایتکار اسلامی و به دنبال تماس سخنگوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری در نروژ،

مهران خورشیدی، با اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ در این رابطه، لیدر اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ با ارسال نامه ای به وزارت خارجه نروژ که رونوشت آنرا برای ما و روسای اتحادیه های کارگری نروژ ارسال کرده خواستار

عکس العمل دولت نروژ به این عمل جنایتکارانه و تحت فشار قرار دادن و اعتراض به رژیم ایران به خاطره اعمال غیر انسانی در برخورد به معلمین و فعالین کارگری زندانی شد. در این نامه اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ خاطر نشان کرد که دنیا

اعمال غیر انسانی حکومت ایران نسبت به شهروندان این کشور را

اعلام می کند. فرد ون لی وون تاکید کرد: "بین الملل آموزش حقوق و مسئولیت های دولت ها را برای به پای میز محاکمه کشاندن متهمان جنایی به رسمیت می شناسد اما این موضوع باید متناسب با معیارهای ملی و بین المللی محاکمات صورت گیرد. آبی آی همچنین با صراحت اعلام می کند که دولت ایران باید رعایت حقوق همه اعضای اتحادیه های کارگری و فعالان حقوق بشر را تضمین کند."

در این جا به دولت ایران یاد آور می شویم که دنیا رفتار و تخطی در حقوق شهروندان این کشور را به دقت دنبال می کند و این اعمال در روابط آنها با دنیا تأثیر بسیار منفی داشته و خواهد داشت.

با دروهای دوستانه از طرف اتحادیه فرهنگیان و معلمان Mimi Bjerkestrand

لیدر

اتحادیه معلمان آلمان، اتحادیه معلمان در ونکوور در کانادا، اتحادیه کارگران حمل و نقل خطوط آهن و دریایی نیوزیلند طی نامه هایی اعتراضی اعدام فرزند کمانگر و چهار زندان سیاسی دیگر را محکوم کردند

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

ملاحظات بر مصاحبه ...

از صفحه ۱

را در چند نکته در مورد رهبر جنبش اعتراضی دانستن موسوی و کروبی؛ در مورد وزن و جایگاه و ارجحیت زیادی به حزب دمکرات دادن در فراخوان اعتصاب عمومی و چگونگی اعمال رهبری چپ بر مبارزات جاری در ایران خیلی کوتاه بیان کنم:

صلاح مازوجی در این مصاحبه به مواضع جریان‌های میلغزد که کل اعتراضات جاری و عظیم در ایران را به جیب یک جناح حکومت میریزند. کومه له تا کنون نگفته بود و این سیاست را نداشته است که مبارزات مردم زیر رهبری موسوی و کروبی است. معلوم نیست چرا رفیق صلاح به یک مرته مبارزات یک ساله مردم در ایران را زیر رهبری و نفوذ موسوی و کروبی میبرد و این اقلیان را رهبر این مبارزات قلمداد میکند. به این سوال و جواب ان دقت کنید:

سوال: با این توضیحات، شرط همراهی کرد ها با اعتراضات های عمومی در ایران، تاکید روی مطالبات مستقل و ویژه خود آنهاست؟ (تاکیدات از من است)

صلاح مازوجی: ما عقیده داریم که جنبش اعتراضی باید خود را از زیر رهبری موسوی و کروبی کنار بکشد و بپذیرد که استراتژی سیاسی جریان اصلاح طلبی حکومتی بی ثمر است. (خط تاکید از من) ما دیدیم که در اول ماه مه نیز کارگران با صف و مطالبات مستقل خود وارد کار شدند. البته تنها مطالبات صنفی نبود، بلکه آزادی زندانیان سیاسی و آزادی های سیاسی را هم طرح کردند. به نظر من اعتصاب عمومی کردستان گام بسیار مهمی بود برای اعلام همبستگی کردها با جنبش کارگری، زنان، دانشجویی. واقعا سوال اینست که چند بار موسوی باید خود بگوید که باور کنید مردم مرا دنبال خود میکنند. چند بار باید از مردم شنید که "موسوی بهانه است کل نظام نشانه است". چند بار باید مردم در ابعاد هزاران نفره و میلیونی شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم سر دهند که رهبران و احزاب اپوزیسیون را متقاعد کند؟ و این در



بهمن خانی

حالی است که هر روز شعارها رادیکالتر و چپ تر و سوسیالیستی میشوند. مواضعی که اینها دارند جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر و پایبندی آنها به قانون اساسیشان صفوفشان را بشدت به هم ریخت و انسجامی برایشان باقی نگذاشته است. این را هم یاد آور شوم که من نقطه نظرات مطرح شده در مصاحبه صلاح با رادیو دویچه وله را بسیار متفاوت از آنچه که در گفتار تلویزیونی کومه له در باره "اوضاع ایران به کدام سو می رود" (۹ فروردین ماه ۱۳۸۹ ۲۹ مارس ۲۰۱۰ سایت حزب کمونیست ایران) میدانم که از موضعی رادی کال بود. نکته دوم:

رفیق صلاح برستی در قسمتی از مصاحبه به شکل دادن به یک "قطب رادیکال و سوسیالیستی" تاکید کرده است. در این رابطه من تناقضی را میبینم و یا میتوانم بگویم لغزشی سیاسی صورت میگیرد؛ آنجا که در فراخوان اعتصاب ارجحیت خاصی به حزب دمکرات به عنوان یک حزب بورژوازی داده میشود. در حالی که این حساسیت و ارجحیت نسبت به جریانات چپ و کمونیست نیست. صلاح مازوجی میگوید "حزب دمکرات به دلیل نگاه سیاسی و مواضع طبقاتی خود، دیدگاه های متفاوت با ما دارد اما ما حاضریم با آنها همکاری کنیم تا تمام ظرفیت موجود را برای رسیدن به مطالبات کردها به کار ببریم. در مورد همین اعتصاب عمومی، مثلا ما با حزب دمکرات تماس گرفتیم و خواستیم آنها هم مشارکت کنند" تنها جریانی که صلاح مازوجی دوست دارد علنا بیان کند که با آنها تماس گرفته و از آنها بطور مشخص اسم برده است حزب دموکرات است. اگر قبول داشته باشیم که رهبری و رهبر شدن و کسب و جلب اعتماد مردم انقلابی در جریان عمل و گام به گام و همراه و پیشاپیش مبارزات مردم و بخصوص

در فرصتهای حساسی از جمله همین اعتصاب یک روزه مردم در کردستان ساخته میشود □ سوال اینست که این خط و نگرشی که در مصاحبه رفیق صلاح دنبال میشود کجای چنین رهبری ای قرار میگیرد؟ یک سال است مبارزات عظیم و هر روزه مردم به جان آمده علیه یکی از جنایتکارترین؛ بیرحم ترین و وحشی ترین حکومتها در ایران در جریان است. مردمی مصمم با شعارهای چپ و رادیکال در اشکال و عناوین مختلف در خیابانند. کارگران بیخ گوش وزارت اطلاعات و گرگهای درنده جمهوری اسلامی تشکلات و سازمانهای خود را بوجود میآورند زندگی زیر یوغ جنایتکاران و دزدان حکومت اسلام غیر ممکن شده فضای سیاسی در ایران بشدت ملتهب است. انقلابی در جریان است. از خارج کشور حمایتهای کم نظیری از این مبارزات در جریان است. همبستگی و هم سرنوشتی شور انگیزی در میان مردم وجود دارد. و به اذعان رفیق صلاح این جنبش رهبر ندارد. برخلاف نظر شما (حداقل در مصاحبه مذکور) مردم دست رد بر سینه موسوی و کروبی و "جریان سبز" زدند، شعارها و خواستهایی که از جانب مردم فریاد زده میشود اساسا ضد موجودیت هر جریان راستی و بیش از همه جناحهای حکومت است و اساسا عمدتا ریشه در سیاستهای چپ دارد، اما هنوز باید در میان نیروهای راست دنبال متحد گشت؟! موقعیت و فرصتی تاریخی برای چپ و سوسیالیسم در ایران بوجود آمده است. این موقعیت با خون دل بدست آمده است. با اول ماه های رادیکال و قطعنامه های سوسیالیستی، با قطعنامه ها و تلاشها و زندان رفتن و فداکاریهای فعالین و مبارزین طبقه کارگر و احزاب کمونیستی ان، با اعتصابات با از دست دادن هزاران انسان عزیز و مبارز امثال فرزاد کمانگرها و هنوز صحنه گویا کاملا سفید است و باید جریانات ناسیونالیستی ای را که به دنبال جناحهای حکومت پرسه میزنند را دستشان را گرفت و مواظبشان بود. قطعا گام های بلندتری باید برداشته شود تا رهبری چپ و سوسیالیستی بطور همه جانبه و تعیین کننده بتواند

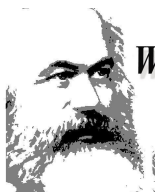
جنبش و انقلاب را هدایت کند اما این گام ها از چراغ سبز دادن به امثال حزب دموکرات برداشته نمیشود. بلکه از دل همین مبارزات و با سیاستهای رادیکال و چپ و در جریان عمل باید برداشته شود. شکل دادن به یک قطب رادیکال و سوسیالیستی در رهبری مبارزات مردم در ایران در اولویت ترین مسئله روز احزاب چپ و کمونیست است. ۳۱ سال است برای چنین فرصتهایی جنگیده ایم. آیا این است تلاش حزب کمونیست ایران برای "شکل دادن به یک قطب رادیکال و سوسیالیستی"؟ زیرغلب حزب دمکرات را گرفتن و با فاصله به احزاب چپ و کمونیست برخورد کردن؟ و بالاخره در طی مصاحبه بارها از ادبیاتی قومی و ناسیونالیستی از جمله ادبیات و واژه های زیر از طرف مصاحبه کننده و مصاحبه شونده استفاده میشود: (کردها صخر خبرها - پیوستن کردها به جنبش - مردم کرد - همراهی کردها با اعتراضات های عمومی). به همان جمله ای که در بالا نقل کردم دقت کنید! رفیق صلاح میگوید "به نظر من اعتصاب عمومی کردستان گام بسیار مهمی بود برای اعلام همبستگی کردها با جنبش کارگری، زنان، دانشجویی..". در یک طرف "کردها" هستند و در طرف دیگر جنبش کارگری و زنان و دانشجویی "گویا این کردها نه کارگردان نه زنند نه دانشجو. فقط کردند. در سر تاپای این مصاحبه یک جا از کارگر و دانشجو و زنان و مردم کردستان که نقش عظیمی در پیشبرد همین جنبشهای سراسری کارگران و زنان و رادیکالیسم داشته اند خبری نیست. در عین حال از ناسیونالیسم ارتجاعی و صماتانجوی کردستان هم خبری نیست. همه باهم و کنار هم "کرد" هستند. ترمینولوژی و ادبیاتی که در این مصاحبه به کار میرود

بکرات "کردها" به جای مثلا مردم آزادیخواه کردستان؛ به جای کارگران زنان و زحمتکشان کردستان استفاده شده است. طبق شناختی که من از ادبیات حزب کمونیست ایران دارم تصور میکنم مصاحبه کننده فرهنگ خود را وارد مصاحبه کرده است. اما سوال اینست که چرا همین مصاحبه و با همین فرهنگ روی سایت کومه له منتشر میشود و به این معنی مورد تایید قرار میگیرد. تصویری که داده میشود اینست که گویی رژیم بجرم کرد بودن اعدام کرده است و میلیونها انسان شریف در کردستان نیز نه در اعتراض به اعدام و در دفاع از آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه فرزند و فرزادها بلکه در دفاع از هویت قومی و ملت و ملیگرایی کرد دست به اعتصاب زدند. رفقا موقعیت را در یابید. این لغزشها قابل چشم پوشی نیستند. میتوان لظلمات بزرگی را به موقعیت مناسبی که در آن قرار داریم وارد آورد. این لغزشها را باید ضرب در شرایط انقلابی امروز کرد آنوقت به ابعاد خسارت آن پی خواهیم برد.

زیر نویس: بعد از نوشتن این مقاله متوجه شدم که یکی دو روز بعد از درج مطلب در سایت حزب کمونیست ایران توضیحی بالای متن این مصاحبه گذاشته شده است که اینست: "آنچه را ملاحظه میکنید متن کاملا خلاصه شده یک مصاحبه طولانی با رفیق صلاح است که رادیو آلمان آنرا پیاده و با بکارگرفتن اصطلاحات و ترمینولوژی خود آنرا تلخیص کرده است" این توضیح بهر حال بدرجه ای مثبت و امید بخش است اما ایرادی که دارد اینست که کاملا مبهم است و هیچ چیز را روشن نمیکند که این رفقا کدام بخش این مصاحبه ای را که روی سایت گذاشته اند قبول ندارند.

با نشریه انترناسیونال همکاری کنید

نشریه انترناسیونال را بخوانید و وسیعا توزیع کنید



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wpiran.org

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتصاب و تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک (شرکت مصنوعات زرین تهران) همچنان ادامه دارد

بنای بر گزارش سایت اتحاد " اتحادیه آزاد کارگران ایران" اعتصاب و تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک که از چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت آغاز شده است، همچنان ادامه دارد. این کارگران روز ۲۹ اردیبهشت ماه ضمن تداوم اعتصاب خود، دست به تجمع در محوطه کارخانه زده و خواهان رسیدگی به مطالبات شان شدند. بنا بر این گزارش نمایندگان کارگران در این روز به استانداری تهران مراجعه کرده و خواهان رسیدگی به خواستههای خود شدند. مسئولین استانداری تهران نیز به این کارگران وعده دادند که یکشنبه ۲ خرداد با برگزاری جلسه ای به این امر رسیدگی خواهند کرد.

کارگران این کارخانه روز ۲۸ اردیبهشت ماه مدیر تولید این کارخانه را از کارخانه بیرون کردند. این کارگران علیرغم تهدید برای جمع کردن پلاکاردهای خود از روی نرده های کارخانه، حاضر به انجام این کار نشدند. و اعلام داشتند که اگر به خواستههایشان رسیدگی نشود به کارگران صنایع فلزی این پلاکاردها را در تجمعی که در روز ۲۶ اردیبهشت در محوطه کارخانه داشتند، بر روی نرده های کارخانه مشرف به خیابان صنایع فلزی نصب کرده بودند که بر روی آن نوشته شده بود: ما کارگران خواهان کار و دستمزدهایمان هستیم

کارگران صنایع فلزی شماره ۱ دستمزدهای خرداد، تیر، بهمن و اسفند ماه سال گذشته و همچنین دستمزد فروردین و اردیبهشت ماه امسال خود را دریافت نکرده اند و این کارخانه مدتهاست با ۲۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز همیشگی خود مشغول تولید است.

بنا بر این گزارش پس از تجمع اعتراضی روز ۲۶ اردیبهشت کارگران صنایع فلزی شماره یک در محوطه کارخانه، نمایندگانی از اداره کار اسلامشهر و پلیس امنیت در محل کارخانه حاضر شدند و با شرکت مدیر کارخانه و نمایندگان کارگران حوالی ظهر جلسه ای تشکیل دادند. در این جلسه نماینده اداره کار از

کارگران خواست تا دست به شکایت بزنند و در قبال دستمزدهای معوقه خود خواهان توقیف اموال کارخانه شوند. این پیشنهاد مورد موافقت نماینده های کارگران قرار نگرفت. سپس کارفرما اعلام کرد تا دو هفته آینده ریسالی به کارگران پرداخت نخواهد کرد و پس از دو هفته، فقط یکماه از مطالبات معوقه آنان را پرداخت خواهد نمود که این امر با مخالفت نماینده های کارگران روبرو شد. بدنبال این وضعیت نماینده اداره کار اسلامشهر به میان کارگران آمد و تلاش کرد آنها را به پایان اعتصاب و صبر و تحمل تشویق کند که این امر خشم کارگران را برانگیخت و نماینده اداره کار با مشاهده خشم کارگران ناچار شد به صحبت های خود خاتمه داده و از میان کارگران برود. تجمع و کشمکش کارگران صنایع فلزی شماره یک با مدیریت و نماینده اداره کار و پلیس امنیت تا آخرین دقایق ساعت کاری این روز ادامه داشت و کارگران حاضر به ترك کارخانه نبودند و میخواستند از خروج مدیریت نیز تا تعیین تکلیف خود از کارخانه جلوگیری کنند. نهایتاً حوالی ساعت ۵ عصر در حالی که یک ساعت از ساعت پایانی کار میگذشت، مدیر کارخانه اعلام کرد که حاضر است در روز سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه به همراه نماینده های کارگران جهت دریافت وام یک و نیم میلیارد تومانی که گویا از سال گذشته تصویب شده است، به شورای تامین استانداری تهران مراجعه کند و از کارگران خواست روز سه شنبه به اعتصاب خود پایان دهند.

بدنبال این وعده و اظهارات از سوی مدیر کارخانه، کارگران ضمن موافقت جهت مراجعه به شورای تامین استانداری تهران اعلام کردند روز سه شنبه کار را شروع خواهند کرد و تا روشن شدن تکلیف شان همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. این کارگران در فروردین ماه امسال نیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زده بودند که با وعده های کارفرما موقتا به اعتصاب خود پایان دادند.

کمپین ۲۰۰۰۰۰ دلاری برای تامین کانال جدید

۱۱۲۴۸۰ دلار جمع آوری شده و ۸۷۵۲۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود
لیست ۶ مه ۲۰۱۰

در هفته ششم کمپین جمع آوری کمک مالی برای تامین هزینه های کانال جدید، دوستانی که نامشان در زیر می آید ۱۴۱۰۰ دلار کمک کردند. دست تک تک این عزیزان را میفشاریم. هدف این کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار در عرض شش هفته است. با احتساب کمک های تاکنونی، برای جمع آوری مبلغ اعلام شده در این کمپین به ۸۷۵۲۰ دلار دیگر نیاز است.

ما همه مردم آزاده، همه مدافعین انقلاب و رهائی از شر حکومت نکبت اسلامی را فرامیخوانیم تا در این کمپین شرکت کنند و کانال جدید، این صدای حقیقت و انسانیت، صدای اعتراض کارگر و مردم زحمتکش، را مورد پشتیبانی مالی قرار دهند.

عباس زمانی ۵۰۰ کرون	جمع لیست شماره ۶	۱۴۱۰۰ دلار
کمیته کلن ۱۵۰ یورو	جمع لیست شماره ۵	۱۴۸۸۰ دلار
حسام یوسفی ۵۰۰ دلار	جمع لیست شماره ۴	۱۶۴۰۰ دلار
جاوید ناصری ۲۰۰۰ کرون	جمع لیست شماره ۳	۲۱۴۹۰ دلار
ابوالقاسم کاردار ۳۱۰۰ کرون	جمع لیست شماره ۲	۳۲۶۵۰ دلار
مهین درویش روحانی ماهانه ۵۰ یورو	لیست شماره ۱	۱۲۹۶۰ دلار
تشکیلات حزب در سوئد ۱۰۰ هزار کرون	جمع لیست های یک تا شش	۱۱۲۴۸۰ دلار

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

شماره حساب سوئد: Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK
برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.
آلمان:

Germany Rosa Mai 583657502 Konto.Nr.: Bankleitzahl: 37010050
Dixie Rd, Mississauga 4900: Canada ICRC Scotiabank
L4W 2R1 Account #: 84392 00269 13
کانادا

Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248
هلند:

G street, Blaine WA 98230 277ank of America Blaine Branch
ph:1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N
آمریکا:

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱ سیامک بهاری:
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷ مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰ عبدل گلپریان

Tel: 0046-739318404

دفتر مرکزی حزب

Fax: 0046-8 6489716 markazi.wpi@gmail.com

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

گردباد بحران



سیامک بهاری

اروپا این روزها بشدت در بیم و هراس است. بانک جهانی مجدداً آژیر خطر را بصدا درآورده است. با عمیق تر شدن بحران اقتصادی در یونان، و ورشکستگی اقتصادی این کشور، ارزش یورو به ناگهان سقوط کرد و علامت سوال بزرگی بالای سر اتحادیه اروپا قرار گرفت. بسیاری از کشورهای جنوب اروپا و کل کشورهای حوزه یورو یکی پس از دیگری اعلام کردند قادر به پرداخت بدهی های خود نیستند. نرخ بیکاری رو به افزایش است. ریاضت اقتصادی و کاهش رفاه و سرکشیه کردن مردم، مضمون اصلی بسته های اقتصادی دولت های اروپایی است. حتی کشورهای اسکاندیناوی که از وضعیت با ثبات تری نسبت به سایر کشورهای اتحادیه اروپا برخوردار هستند رسماً دارند به این سیاست میبندند. بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا و شانزده کشوری که از واحد پول یورو استفاده می کنند، امسال با کاهش چهار درصدی رشد اقتصادی مواجه خواهند گردید، این مقدار برابر است با افزایش میلیونها بیکار و افت شاخص استانداردهای رفاهی برای میلیونها مردم. جانانان لوینس، کارشناس ارشد مؤسسه کاپیتال اکونومیکس در باره بحران اقتصادی اروپا بدون پرده میگوید که اقتصاد اروپا هنوز مسیر طولانی برای دستیابی به رشد و رونق پایدار در پیش دارد. استاندارد مالی و اقتصادی کشورهای عضو حوزه یورو حداکثر مجاز کسر بودجه را سه درصد تعیین کرده است. اما در بهترین حالت، آلمان غول اقتصادی اروپا، با کمی بیشتر از شش درصد کسر بودجه یعنی دورابار میزان مجاز از بهترین هاست. یونان، اسپانیا و پرتغال در وضعیت استثنایی و با کسری بودجه عظیمی روبرو هستند. میزان بیکاری در اسپانیا در سه ماهه اول سال جاری به بیش از بیست درصد رسیده است که جمعیتی قریب پنج میلیون نفر را دربر میگیرد. اضافه بر این، میزان بدهی اسپانیا طی سال گذشته به بیش از یازده درصد تولید ناخالص داخلی رسید است و این کشور را به عمیقترین رکود اقتصادی

در شصت سال اخیر فرو برده است. از اواخر ماه ژانویه سال گذشته تاکنون دولت اسپانیا برنامه های ریاضت اقتصادی و بیکارسازیهای گسترده جهت صرفه جویی پنجاه میلیارد یورویی برای باز پرداخت وامهایش در پیش گرفته است. اما همچنان نجات سرمایه و درماندگی بحران اقتصادی در اسپانیا از مردم قربانی میگیرد و زندگی آنها را هدف قرار میدهد. از دیگر مشکلات اقتصادی مهیب در اسپانیا، بدهی عمومی پنجاه و سه درصد و بدهی خصوصی صدو هفتاد و هشت درصدی تولید ناخالص داخلی است. برای کنترل نارضایتی معترضین و قربانیان آفتگزی و بحران اخیر اقتصادی در اسپانیا، سازمان اطلاعات این کشور (CNI) راسا به صحنه آمده است. سران اتحادیه اروپا اعلام کرده اند بهبود وضعیت اقتصادی یونان حداقل به ده سال وقت نیاز دارد. و این ده سال تازه به شرطی است که مردم یونان از تامينات اجتماعی محروم شوند. و کل برنامه ریاضت اقتصادی که اکنون کارگران و مردم یونان علیه آن بپاخاسته اند به اجرا در آید. یونان بدلیل ناتوانی از پرداخت اصل و فرع بدهی سیصد میلیارد یورویی خود، در کام یک بحران شدید مالی فرو رفته است، برای نجات این اقتصاد فلج، اتحادیه اروپا در اجلاس اضطراری خود، با اعطای وام صد و ده میلیارد یورویی در سه سال آینده به یونان به توافق رسیدند. هشتاد میلیارد یورو از این وام اعتباری را اتحادیه اروپا تقبل میکند و بقیه را صندوق بین المللی پول تامین خواهد کرد. آلمان نهایتاً برای جلوگیری از تضعیف یورو ناچاراً و در کشمکش جدی در میان اعضای بلند پایه اقتصادی و موسسات تامین کننده این وام، بیست و دو میلیارد از این صد و ده میلیارد یورو را تقبل کرده است به امید اینکه در رقابتی بی آینده، بتوانند ارزش ارزی یورو را در مقابل دلار سرپا نگاهدارند. این وام نجومی به یونان با یک حساب سرانگشتی، یعنی مبلغی بطور متوسط روزانه صد میلیون یورو وام با بهره پنج درصد به کشور یونان! ارقام حیرت انگیزی که حقیقت و عمق بحران اقتصادی سرمایه داری را بیش از پیش می نماید. این باتلاقی است که سرمایه داری اروپا چنین سنگین در آن فرو میرود. دولت یونان ماهانه فقط بابت بدهی های معوقه خود بیش از ۵۰۰ میلیون دلار بهره بانکی باید بپردازد! این مبلغ را

رسماً با کاهش ناگهانی از هزینه خدمات عمومی و دستمزدها، افزایش مالیاتها و ادامه صرفه جویی، حذف پاداش و سخت تر کردن نظام بانکشستی، قرار است جبران کند. فقر رسمی و دولتی با حمایت موسسات مالی و دول اروپایی تسمه از کرده مردم یونان میکشد. اما بحران در یونان و پرتغال و اسپانیا خلاصه نمی شود، کسری بودجه یونان در مقایسه با انگلیس مثل ارز در مقابل هندوانه است. بریتانیا نیز به رده بالاترین بدهکارهای اتحادیه اروپا تنزل کرده است. میزان بدهی های این کشور رقمی حدود دوازده درصد تولید ناخالص داخلی آن است. روز دوشنبه همین هفته، دیوید لوز، وزیر مشاور امور خزانه داری بریتانیا اعلام کرد که هیچ پولی در خزانه نمانده است. وزیر دارایی جدید بریتانیا ضمن تایید این مطلب، عنوان کرد که باید سریعاً با کاهش شش میلیارد پوند از هزینه های دولت برای مواجهه با این بحران غول پیکر، آماده شد! درآمد دولت بریتانیا در ماه ژانویه امسال در مقایسه با سال گذشته نزدیک به هشت درصد افت کرده است، بدهی های آن نیز به شصت درصد درآمد ناخالص داخلی رسیده است. این رقم نسبت به سال گذشته ده درصد افزون شده است. نرخ بیکاری در حوزه یورو از حدود ۳ درصد به بیش از ۸/۷ درصد در سال جاری افزایش خواهد یافت. درماندگی اقتصادی سراسر کشورهای اروپایی را فرا میگردد، پیشتر از این، فرانسوا فیلون، نخست وزیر فرانسه، اعلام کرده بود کشورش ورشکسته است. طی دو سال گذشته میزان بدهی های کشور فرانسه بیست درصد افزایش یافته است و در سال جاری نزدیک به ۲/۸۳ درصد تولید ناخالص داخلی آن است. نیکولا سارکوزی رئیس جمهور فرانسه، اجرای طرح اصلاحات در نظام مستمری بگیران یا به بیانی کاهش و یا انجماد دستمزدها را ضروری میدانند. دولت فرانسه چون دیگر کشورهای غربی، میلیاردها دلار از جیب مردم برای کاهش بحران اقتصادی هزینه کرده است. در ایتالیا وضعیت به تمامی معنا فاجعه بار است. میزان بدهی ایتالیا به رقم نجومی دو تریلیون و پانصد میلیارد دلار رسیده است این بالاترین سطح به لحاظ میزان بدهی در میان کشورهای اروپایی است! میزان بدهی پرتغال صد و هفتاد و هشت میلیارد دلار است. مجموع بدهی های دولتی اتحادیه اروپا طی دوسال گذشته

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواسته های حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شریطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران
- ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

تاکنون سه برابر شده است. میخائیل سوخودولسکی، معاون اول وزیر کشور روسیه روسیه اذعان کرده است، بحران اقتصادی منجر به بی ثباتی در اوضاع و افزایش ناآرامی ها، اعتراضات و هرج و مرج و بی ثباتی و افزایش فعالیتهای اعتراض آمیز در روسیه خواهد شد.

شعب بحرانی که بر فراز اروپا در چرخش بود اینک حقیقت روزمره بازار آشفته اقتصادی سرمایه داری اروپا این غول بانکی و صنعتی سود ده جهان سرمایه داری است! همه رنگ و لعاب حل بحران و رونق مجدد و سرمایه داری بی درد ستر ریخته است، بازار آزاد چه از نوع افسار گسیخته و فریدمنی آن یا کنترل شده و مدل کینزی آن، هیچکدام دردی از آن درمان نکرده است. تا همین جا معلوم شده است که دستگاه تبلیغاتی غرب با ساختن صحنه های دروغین از رونق مجدد بازار سرمایه، جهمی که زیر پای مردم دهان گشوده است را مخفی میکند.

نظام سرمایه داری برای هزارمین بار خطرناک و مضر بودن خود را نمایانده است. این بحران چنان دامنه دار و وسیع است و چنان درحال شعله ور شدن است که مهار آن با این تمهیدات ناممکن است. انواع جعلیات در دستگاه دروغپردازی و مهندسی افکار سرمایه داری سرهم شده است تا حقیقت این بحران که ذاتی نظام سرمایه است و ثمره گرایش نزولی نرخ سود است، به بحران مالی و یا مدیریت غلط، سیاستهای ناروشن و دهها تئوری بی سر و ته دیگر وصل شود تا آنچه که هسته اصلی و اندرون پوسیده این نظام را برملا میکند در زیر آوری از دروغ پنهان بماند. حقیقت این است که سود سرمایه در گل فرو مانده است و رکود و بیکاری، تورم و گرانی و هرج و مرج اقتصادی مثل قارچ از هر کجا سر برون میکنند. نه ایالات متحده امریکا و نه اروپای واحد و نه هیچ بازاری مغری برای نجات خود ندارد. پاسخی که دولتها و سرمایه داران دارند قربانی کردن مردم است. و برای مقابله با این پاسخ فاجعه بار حداقل باید همچون کارگران یونان بطور سراسری و در ابعاد جهانی دست به مقابله زد. *

سربر آوردن اراده انقلابی در کردستان



هادی وفاقی

روز پنجشنبه ۱۳ مه ۲۰۱۰ مردم کردستان در یک حرکت یکپارچه، عمیق، انسانی و سیاسی تمام روستاها و شهرهای کردستان را به تعطیلی کشاندند و در واقع، اعلام کردند که مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، با نفرت و خشم هر چه تمام‌تر همه نیروها و مردم به جان رسیده از دست حاکمان وحشی مذهبی - علیرغم تمام وحشیگری‌ها و سرکوب‌ها و کشتارهای این حکومت - ادامه دارد. مردم کردستان راه جدید و اثرگذاری را پیش روی مردم ایران قرار داده و گفتند این مبارزه، نه ملی، نه قومی، انسانی و جهانی است. گفتند اعدام، شکنجه و هیچ گونه قوانین مجازات مذهبی نباید حاکم باشد. اعلام کردند مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی راه دارد. باید این مبارزه را هر چه بیشتر و بیشتر سازمان یافته تر و تحزب یافته تر کرد. اعلام کردند نه به اعدام، یعنی نه به مجازات اعدام تحت هیچ شرایطی و در مورد هیچ انسانی با هیچ جرمی و با هیچ زبان و قوم و نژاد و رنگی. مردم کردستان با اعتصاب یکپارچه خود، الگوی انسانی، چپ و سوسیالیستی را پیش روی تمام مردم، زنان، جوانان و هر کسی قرار دادند که به هر نحوی از حکومت مذهبی در رنج و عذاب است و می خواهد سر به تن این حکومت نباشد. نشان دادند که مبارزه برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی راه دارد و راه آن در دست کمونیست هاست. آنچه این جنبش وسیع، باشکوه و تاریخی را به سرانجام رساند، چیزی جز سربر آوردن یک روحیه و اراده انقلابی و انسانی به رهبری کمونیست ها نبود. اراده ای که در وسعتی بی نظیر، خود را بر وحشیگری و سرکوب جانیان حاکم بر ایران تحمیل نمود. طبق اخباری که در سایت ها و رسانه های خبری

انعکاس یافت، مردم کردستان عمیقاً ناراحت و غمگین و در عین حال خشمگین اند. شاهدانی که حال و هوای این مردم را گزارش داده اند، می گویند مردم در یک حالتی هستند که ترس کمترین و پست ترین چیز برایشان شده است و اساساً به همین دلیل دست بکار این حرکت آگاهانه و تحزب یافته شده اند و همین روحیه بود که وقتی نیروهای حراست رژیم از کارخانه ها و مدارس به کسانیکه خود یا فرزندان شان در اعتصاب عمومی بودند زنگ زده و آنها را تهدید کردند، پاسخ شنیدند که "امروز تعطیل عمومی است و اگر شما هم آنجا را تعطیل نکنید، خودمان می آییم و آنجا را تعطیل می کنیم!" دستاوردهای اعتصاب عمومی مردم کردستان بی نظیر و فراوان است. روی کار آمدن تاکتیک اعتصابات عمومی و سراسری در مبارزه ای که نزدیک به یکسال است با تظاهرات خیابانی حکومت را به مصاف طلبیده یکی از آنهاست. هر چه بیشتر حاشیه ای و نامربوط شدن باصطلاح "جنبش سبز" و راهی که با تبلیغ "مسالمت جویی" و باصطلاح دوری جستن از خشونت پیش پای مردم می گذاشت یک جنبه دیگر از آن است. متوجه شدن جامعه در یک وسعت توده ای به مسئله تحزب یافتگی و ضرورت شناسایی حزب و نیروی سیاسی واقعا انقلابی و چپ دوره حاضر و انتخاب آن برای سازماندهی انقلاب، اوج گیری روحیه و اراده انقلابی مردم و در یک کلام تغییر توازن قوای سیاسی به نفع آنها، انقلاب، چپ و سوسیالیسم، همه و همه دستاوردهای بی بدیل و عمیقی بودند که به نظام سیاسی - مذهبی در حال سرنگونی ایران تحمیل شدند. مهم ترین این دستاوردها، آشکار شدن ضرورت توجه به نقش حزب در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و در اینمورد مشخص، حزب طبقه کارگر برای بزیر کشیدن کل بساط غارت و چپاول سرمایه داری - در شکل مذهبی و غیرمذهبی اش - است. چیزی که طبقه کارگر ایران در اول ماه مه امسال گام بزرگی بطرف آن برداشت و تمام جامعه بگونه ای در جریان نقش و جایگاه این طبقه در پیشبرد مبارزه حال حاضر قرار گرفت. گام بزرگی به آن طرف که

مردم، زنان و جوانان بدانند که کلید رهایی شان در دست طبقه کارگر است و در نتیجه، اهداف، سیاست ها و ایده آلهای سوسیالیستی و کمونیستی را برای به پیروزی رساندن این انقلاب انتخاب کنند. با اعدام فرزند کمانگر، نفرت و انزجاری که از این اعدام ها در تمام نقاط دنیا به خیابانها جاری شد و پس از آن اعتصاب عمومی مردم کردستان و پاسخ مثبتهی که به فراخوان احزاب کمونیستی دادند، جامعه هرچه بیشتر به چپ خود نزدیک شد. به انتخابش نزدیک شد و برای کسانی هم که ذره ای به چرندیات باصطلاح رهبران جنبش سبز توهمی داشتند، دیگر هیچ توهمی باقی نماند که مبارزه برای خاتمه دادن همیشگی و غیرقابل بازپس گیری به این بساط دزدی و تحمیل فقر و کشتار و بیحقوقی، چاره ای ندارد جز آنکه راهی را که طبقه کارگر پیش پای جامعه گذاشته است، انتخاب کند و با کمک آن برای سرنگونی جمهوری اسلامی بسیج شود. تا آنجا هم که به طبقه کارگر بازمی گردد، - همانطور که حمید تقوایی در سخنرانی اول ماه مه اش گفته است - طبقه کارگر از این پس - و بویژه بعد از این اعدام ها و اعتصابات و اعتراضات - باید بلند شود بعنوان مدعی العموم جامعه ایران در مقابل جمهوری اسلامی و در مقابل کل بورژوازی جهانی. طبقه کارگر باید بلند شود بعنوان رهبران و سازمان دهندگان. بعنوان طبقه ای که راه دارد و می تواند نقطه پایانی بگذارد به تمام این دم و دستگاه توحش و عقب ماندگی جمهوری اسلامی. ما در حزب کمونیست کارگری ایران، همواره گفته ایم انقلاب ایران، انسانی است. گفته ایم "نه قومی نه مذهبی، حکومت انسانی" و "انقلاب انسانی برای حکومت انسانی" و اعتصاب کردستان، تبعات سیاسی - اجتماعی آن و اعتراضات جهانی که از پاریس و استکهلم و اسلو و تورنتو و بسیاری دیگر از شهرها و پایتخت های جهان تا بیخ گوش جمهوری اسلامی در مرزهای افغانستان و ترکیه، همه جا را بلرزه درآورده است، همه و همه پژواک یک جنبش عظیم انسانی است که بازتاب می یابد.

گروگان گیری ابزار سرکوب

یاشار سهندی

در این هفته علی وکیلی راد یکی از تروریستهای جمهوری اسلامی که به جرم قتل شاپور بختیار محکوم به حبس ابد بود در پی یک معامله آشکار آزاد شد و رسماً از سوی مقامات رسمی جمهوری اسلامی مورد استقبال قرار گرفت. از میان نزدیک به صد ترور سیاسی مخالفان رژیم اسلامی در خارج کشور تنها دو نفر دستگیر و محکوم شدند. که هر دوی اینها نیز در معامله با دولت فرانسه آزاد شدند. یکی سالیان دور در ازای آزادی گروگانها که در اختیار حزب الله لبنان بود آزاد شد و دیگری که در هفته گذشته آزاد شد در پی آزادی کلوتید ریس که سال گذشته به گروگان گرفته شده بود به ایران برگشت تا کارش را در دم و دستگاه آدم کش جمهوری اسلامی پی گیرد. جمهوری اسلامی یک شیوه پیشبرد اهداف جنایتکارانه اش گروگان گیری است. این را هم در عرصه داخلی اجرا میکند و هم در عرصه خارجی به حیل مختلف به اجرا میگذارد. یکی از معروفترین گروگان گیری در عرصه سرکوب داخلی به گروگان گرفتن فرزند ۹ ساله یکی از کارگران شرکت واحد در جریان سرکوب مبارزات کارگران شرکت واحد تهران بود تا پدر خودش را تسلیم کند. این یکی از شیوه های سرکوب جمهوری اسلامی بوده است. بی شک شواهد زیادی است که مسکوت مانده است که روزی برملا خواهد شد. اما "در عرصه سیاست خارجی" این یک شیوه همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی بیشتر از آنکه نگران "آبروی خویش" باشد در پی آن است که جو رعب و وحشت را در داخل وسعت بخشد. گاه خودش مستقیم دست به گروگان گیری میزند گاه مزدورانش مثل حزب الله لبنان. در دهه ۶۰ یک رشته هوپیما ربای شد که هوایماها مستقیماً به ایران می آمد که ظاهراً افراد ناشناسی دست به این عمل میزدند که جمهوری اسلامی دستگیرشان

میساخت و تمام میشد! سالها بعد که توانست حزب الله لبنان را سازمان دهد دیگر روی زمین گروگانها را میدزدید و برای روز مبادا نگه میداشت و تا معامله کند. نمونه آخر آن که شاهد آن بودیم شهروند فرانسوی را نزدیک به یکسال بوده به گروگان گرفته بود تا هفته گذشته که معامله صورت گرفت. استقبال رسمی مقامات این رژیم پیام آشکاری به مردم در داخل ایران است که ترور یکی از ابزارهای جلی سرکوب این دولت است. اما عکس العمل دول اروپایی تماشایی است. ایشان عوض احضار سفیر خودشان یا اخراج سفیر دولت اسلام که معمول ترین روش دیپلماسی دول بورژوازی است همیشه در قبال این روش ضد انسانی این دولت، کوتاه آمده اند. کلاً در مقابل همه سیاستهای این دولت همیشه کوتاه آمده اند، چون لازم داشتند. چون برایشان مهم نبوده که نزدیک صد نفر در خارج از ایران ترور شدند و دهها هزار نفر در زندانها به قتل رسیدند. گاه گوشمالی به او دادند تا حد خود را مراعات کند اما در خفا با او معامله کردند. همه افسانه ها برای اعمال قانون فقط برای کسانی است که دست شان از همه جا کوتاه است. آن قانون را بزرگان نوشتند و قرار نیست که در مورد بزرگان بکار رود. افسانه "همه در برابر قانون یکی هستند" فقط افسانه است. اما در اینجا بیشتر از هر چیزی گروگان گیری ابزار دیگری برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم ایران است، این را دول اروپایی به خوبی به آن واقفند. اما اگر ابزارهای دیگر سرکوب، اعم از شکنجه و تجاوز و اعدام توانست است مردم ایران را ساکت کند این روش نیز خواهد توانست! و مردم ایران در یکسال گذشته ثابت کردند همه این روشها دیگر کارساز نیست. "توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد" شعار مردم در مقابله با همین روشهاست. کوتاه آمدن و مماشات دول اروپایی با این ماشین ترور و سرکوب بیش از گذشته به ما مردم باید ثابت کرده باشد که اینها فقط وقتی دست از حمایت این رژیم دست میکشند که سنبه مبارزات ما پرزور باشد*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

مردم جواب شما را قبلا داده اند!

در محکومیت تلاشهای ارتجاعی برای تقلیل دادن اعتصاب شکوهمند مردم کردستان

چپ و رادیکالیسم تغییر داد.

اما قدرتنمایی انسانیت و آزادیخواهی سوسیالیستی در طی اعتصاب مردم رزمنده کردستان در عین حال محافل راست، ناسیونالیست و نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام را که میخواستند جمهوری اسلامی را از زیر تیغ انقلاب و سرنگونی بدست مردم انقلابی برانند را نیز شدت نگران کرد. اینان برای خنثی کردن اثرات پدیده این حرکت به تلاشی سراسیمه برای خاک پاشیدن به چشم مردم و تعبیر و تفسیر تقلیل گرایانه و ارتجاعی این حرکت دست زده اند. وجه مشترک همه این محافل در این است که این عزیزان جان باخته را از اوج آزادیخواهی و انسانیت به قعر قومگرایی و ناسیونالیسم بکشاند و اعتصاب عمومی مردم آزادیخواه کردستان را در چهار چوب حرکتی قومی محبوس و محدود کنند. گویی رژیم بجرم کرد بودن اعدام کرده است و میلیونها انسان

شریف در کردستان نیز نه در اعتراض به اعدام و در دفاع از آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه فرزند و فرزادهای بلکه در دفاع از هویت قومی و ملت و ملیگرایی کرد دست به اعتصاب زدند. گویی مردم کردستان مثل همه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و رفاه و بهترین های دنیا نمی جنگند بلکه اهداف حقیرانه و نازل سازمانهای قومگرای کرد آنها را به حرکت در آورده است. در این میان رسانه های غربی که هدفی بجز مطرح و لانس کردن نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام و جناح سبز حکومت ندارند به این تشبیهات ناسیونالیستی دامن میزنند. این حضرات خود را با این خیالات سرگرم میکنند که جمهوری اسلامی نه سرنگون بلکه مرمت شود و در این خیال بسر میبرند که در کردستان هم با شریک کردن قومپرستان در قدرت بتوانند جایگاه و پایگاهی برای اصلاح طلبان حکومتی پیدا کنند. اینان که اینبار نتوانسته بودند سران جناح مغلوب جمهوری اسلامی را به اسم "رهبر" در بوق کنند به تلاش مضحکی برای رهبر تراشی برای

اعتصاب عمومی مردم کردستان از میان قومپرستان پرداختند که برای هرکسی که اخبار این اعتصاب را دنبال کرده بود موجب تمسخر و سرگرمی بود.

اما تلاش حضرات از پیش شکست خورده بود. جامعه اینها را جواب کرده بود. جواب اینان در سخنان مادر فرزند کمانگر بعد از قتل جگرگوشه اش داده شده بود. هرکس به سخنان او گوش کند فوراً متوجه میشود که با آزادیخواهی و انساندوستی عمیقی روبروست که نه فقط با رژیم جنایتکار اسلامی که با هیچ ناسیونالیسم و تفرقه قومی و مذهبی بین انسانها نیز سر آشتی ندارد. نامه های فرزند کمانگر جواب تلاش های ارتجاعی و مشتمن کننده این حضرات است که آزادیخواهی و انقلابی گری نهفته در آن در هیچ چهارچوب تنگ و ارتجاعی ناسیونالیسم قومی و نظم نوینی و نجات جمهوری اسلامی نمی گنجد. جواب حضرات از قبل در خاطرات همبندهای شیرین علم هولی داده شده بود که او را یک انسان بسیار آزادیخواه و نوع دوست توصیف میکنند. جواب

حضرات در تظاهرات های پرشور در خارج کشور بر علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی و یا در گفته زنی در تظاهرات جلال آباد افغانستان که میگفت این پنج نفر "برای آزادی جهان" مبارزه میکردند داده شده بود.

حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که اعتصاب شکوهمند مردم کردستان جلوه مسلمی از همسرنوشتی انسانها و گامی مهم در پیشروی انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، انقلابی انسانی برای حکومت انسانی بود. حنای ناسیونالیسم و فدرالیسم و تلاش برای نجات جمهوری اسلامی رنگی ندارد. مردم سراسر ایران با انقلاب خود جمهوری اسلامی را برای همیشه به گور خواهند سپرد و جمهوری سوسیالیستی را برپا خواهند داشت که حاکمیت مستقیم همه شهروندان آزاد و برابر در سراسر ایران است. سرنگون باد جمهوری اسلامی نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷مه ۲۰۱۰- ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۹

بگیرد. ما از اتحادیه های کارگری در سراسر جهان می خواهیم که از خواست ما از ای ال او برای لغو عضویت جمهوری اسلامی حمایت کنند.

در آخر، اگر چنانچه ای ال او بدون توجه به اعتراضات جهانی، جمهوری اسلامی را به کنفرانس ژوئن خود راه داد، ما از همه سازمانهای کارگری و نمایندگانشان از همه کشورها در کنفرانس ای ال او می خواهیم که در هر جلسه ای که نمایندگان رژیم اسلامی ایران شرکت داشته باشند، آن جلسه را ترک کنند. حزب ما همانند سالهای گذشته و به نمایندگی از کارگران و مردم ایران، که همچنان در ای ال او نمایندگی نمی شوند، اعتراض قدرتمندی را به این کنفرانس سازمان خواهیم داد.

کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران هماهنگ کننده: شهلا دانشفر روابط عمومی: بهرام سروش ۹ مه ۲۰۱۰

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.anternasional.com

www.newchannel.tv

سایت حزب:

سایت روزنه:

نشریه انترناسیونال:

سایت کانال جدید:

نامه کمیته همبستگی بین المللی کارگری به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان فرزاد کمانگر و ۴ تن دیگر از زندانیان سیاسی در ایران اعدام شدند

به کمپین اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار (ای ال او) بپیوندید

رژیم تجمع اعتراضی برپا کرده اند. در لندن، پاریس و فرانکفورت، تجمع کنندگان خشکین، این ساختمانها را با تخم مرغ، رنگ قرمز و سنگ مورد حمله قرار دادند.

این اعدامهای اخیر، بخشی از تلاش وحشیانه جمهوری اسلامی برای چسپیدن به قدرت است که در یک سال گذشته مورد خشم و نفرت اعتراضات توده ای مردمی قرار گرفته است که خواهان رفتن این رژیم مستبد و قرون وسطائی هستند. اما انتظار نمی رود که این اعدامها خدشه ای در عزم و خواست مردم ایجاد کند؛ بلکه فقط خشم مردم در ایران و در سراسر جهان نسبت به حکومت اسلامی را بیشتر خواهد کرد.

ما از همه اتحادیه ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر و تمام کسانی که از این عمل وحشیانه خشمگین شده اند، می خواهیم که رژیم اسلامی ایران را قویا محکوم کنند. بخصوص از همه می خواهیم که به کمپین اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار (ای ال او)

در ساعات اولیه صبح امروز ۹ ماه مه، مقامات جمهوری اسلامی فرزاد کمانگر و چهار تن دیگر از فعالین سیاسی دیندار را اعدام کردند. فرزاد کمانگر یک معلم و یک فعال حقوق انسانی بود که برای دو سال گذشته آزادی وی موضوع داغ کمپینهایی در ایران و جهان شده بود. چهار فعال سیاسی دیگر که در همراهی در زندان اوین اعدام شدند، علی حیدریان، فرهاد و کیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان بودند.

هر پنج تن از این فعالین سیاسی بخاطر فعالیتهای سیاسی علیه رژیم به اعدام محکوم شده بودند. احکام اعدام آنها در حفا و بدون اطلاع خانواده و فامیلهایشان اجرا شد.

خانواده داغدار این اعدام شدگان فراوانی برای تجمع اعتراضی جلوی دانشگاه تهران برای ۱۰ مه داده اند. علیرغم سببیت رژیم اسلامی، انتظار می رود مردم زیادی به این اعتراض بپیوندند. در زمان نگارش این نامه، صدها ایرانی معترض در خارج کشور، جلوی سفارتخانه ها و کنسولگریهای

بین المللی حزب ما در کنفرانسهای سالانه ای ال او بوده است. هر سال شواهد مختلفی از نقض مخوف حقوق انسانی توسط رژیم اسلامی توسط اتحادیه های کارگری جهان، حزب ما و کمپینها و فعالین کارگری در اختیار کمیته های مختلف و هیأت رئیسه ای ال او قرار داده شده اند. اما متأسفانه هیأت اجرایی ای ال او به این اعتراضها بی توجهی کرده است.

با قتل فرزاد کمانگر و ۴ فعال سیاسی دیگر امروز، دیگر هیچ توجیه و بهانه بورکراتیک دیگری برای ادامه عضویت این رژیم در ای ال او قابل قبول نیست. هر توجیه دیپلماتیک برای ادامه روابط با این رژیم با انزجار مطلق توسط کارگران و مردم ایران و جنبش کارگری جهانی و بشریت مترقی روبرو خواهد شد. ما از ای ال او می خواهیم که بلافاصله دعوت خود از دولت ایران برای شرکت در کنفرانس سالانه خود در ژوئن ۲۰۱۰ را پس

ما از هیأت رئیسه ای ال او می خواهیم که عضویت جمهوری اسلامی را بخاطر نقض آشکار حقوق انسانی و نقض حق زندگی کارگران و توده مردم در ایران، باطل و لغو کند. اخراج رژیم اسلامی از ای ال او خواست کارگران بوده که در موارد متعددی به ای ال او اعلام شده است. این مسئله بارها موضوع اعتراض کمیته همبستگی



تظاهرات مردم در افغانستان در همبستگی با مردم ایران

پیام حمید تقوایی به مردم آزادیخواه افغانستان به مناسبت اعتراض به اعدامها در ایران

مردم آزاده افغانستان!

تجمع و تظاهرات کوبنده شما علیه جمهوری اسلامی شایسته بیشترین قدرانی ها است. گرمترین درودها و احترامات مرا بپذیرید. تظاهرات هفته گذشته در کابل در اعتراض به اعدام مهاجرین افغانستانی ساکن ایران و بدنبال آن تظاهرات در جلال آباد در اعتراض به اعدام پنج فعال سیاسی، که با شعارهای کوبنده علیه جانان حاکم بر ایران، به آتش کشیدن عکس آنها و حمله به کنسولگری جمهوری اسلامی همراه بود، حرکتی شورانگیز و بیسابقه و نقطه اوجی در همبستگی مبارزات آزادیخواهانه مردم منطقه و جهان محسوب میشود. شما نشان دادید که مبارزه با استبداد و دیکتاتوری مرز

نمیشناسد. شما با شعار علیه "خامنیه ای قاتل مردم ایران" و با اعلام "مرگ بر استبداد چه در کابل چه در تهران" در کنار مردم ایران و در صف عظیم مبارزه همه مردم آزاده دنیا علیه استبداد و ارتجاع قرار گرفتید. شما در اعتراض به اعدام عزیزانی فریاد خود را بلند کردید که همانطور که یکی از زنان شرکت کننده در تظاهرات جلال آباد به خبرنگاران اظهار داشت "برای آزادی مملکت خود و آزادی تمام جهان مبارزه میکردند". در این مبارزه جهانی مردم ایران و افغانستان، مردم تمام منطقه و سراسر دنیا، خواست و هدف و آرمان مشترکی دارند. این مبارزه ای است علیه اعدام، سرکوب و جنایت و برای برانداختن استبداد و تبعیض و نابرابری! اینها خواست و آرمان همه مردم شریف دنیا است و

یکبار دیگر به شما درود میفرستم و امیدوارم برای برانداختن استبداد "چه در کابل چه در تهران"، و چه در کل منطقه و در سراسر دنیا، صف جهانی آزادیخواهی و برابری طلبی هر که مردم چکار کردند و چقدر زحمت کشیدند و چه عزیزانی دارند زحمت می کشند. سلام و درودهای گرم و بی پایان مرا به همه این عزیزان برسانید من از همه این عزیزان انتظار دارم که راه فرزند را ادامه دهند. من هم اکنون هزاران فرزند دارم. من بارها و بارها گفته ام که فرزند فقط فرزند من نبود او فرزند همه ایرانیان است او فرزند همه خانواده هایی است که عزیزان شان را از دست داده اند. هیچ فرقی ندارد.

پیام مادر فرزند کمانگر به مردم آزادیخواه پس از مرگ فرزند

به نقل از محمد امین کمانگر

سلام دایه سلطنته! امروز بسیار کوشش کردم که باهات تماس بگیرم اما خط وصل نمی شد پس از چند جمله کوتاه از گفتو گویمان، گفت: من خوب هستم عزیزم، خوب هستم مثل همیشه. از طرف من وکیل هستی که به همه سازمانها، به همه گروهها، به همه انسانهای



آخرین حرف من هم این است که فرزند دسته گلی بود که من به تمام

متحد تر و یکپارچه تر و همبسته تر دبیتر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
شود. به امید پیروزی!
حمید تقوایی
۱۴مه ۲۰۱۰، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

مردم آزادیخواه ایران تقدیم کردم. زند باد انسانیت- ۱۶ مه ۲۰۱۰

کهریزک هم دست از سر رژیم بر نمی دارد!

بهروز مهرآبادی

حوالی زندان قبل تاسیس شده است. اینکه چگونه در عرض چند ماه رژیم توانسته يك زندان جدید در همان منطقه بسازد و یا ابزارهای شکنجه و آزار مردم در این زندان جدید چقدر با زندان قبلی متفاوت است در صورت مسئله تغییری نمی دهد. کهریزک به صورت سمبل جنایات جمهوری اسلامی در آمده و این لکه ننگ و جنایت برای همیشه بر صورت این رژیم خواهد ماند. کهریزک تنها برگی از هزاران صفحه پرونده کثیف رژیمی است که در دوران حکومت خودش صدها هزار نفر را شکنجه و اعدام

دو هفته قبل این خبر افشا شد که هنوز از زندان کهریزک استفاده می شود و حکومت اسلامی این شکنجه گاه را تحت نام "سروش ۱۱" دایر نگاه داشته است. این خبر مجدداً پرونده جنایات فیجعی را که رژیم در این زندان مرتکب شده باز کرد. بدنبال این رسوائی علیرضا آوائی رئیس کل دادگستری استان تهران روز چهارشنبه ۲۹ اعلام کرد که بازگشایی مجدد زندان کهریزک صحت ندارد بلکه يك زندان جدید

کرده است. جنایات زندان کهریزک تنها یکی از هزاران موارد اتهامی است که دست اندرکاران جمهوری اسلامی باید بخاطر آن مورد محاکمه قرار گیرند. حکومت اسلامی اگر نام زندان کهریزک را تغییر دهد، یا زندان دیگری بجای آن بسازد و یا اگر حتی آن را از بین ببرد نمی تواند از آن رهایی یابد. کهریزک دست از سر جمهوری اسلامی بر نمی دارد و نام این زندان مخوف و شرح جنایات آن همواره بدنبال این رژیم منفور خواهد آمد.

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

انترناسیونال

شریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternational@yahoo.com

اساس سوسیالیسم انسان است!